

نقش توسعه اقتصادی کشور در اشتغال و بازار کار

محمود هوشمند^۱، مهدی نوقایی^۲

^۱ استاد دانشگاه فردوسی مشهد، عضو هیات علمی دانشکده علوم اداری و اقتصادی

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

بدون دستیابی به توسعه اقتصادی، اختلال های جدی در فرایند توسعه پدید خواهد آمد. ملت فقیر و توسعه نیافته چگونه می تواند شاهد رشد و شکوفایی استعداد های بی کران آحاد خود در تمام زمینه ها باشد و ثمره شیرین تحقق آرمان ها، ارزش ها و خواست های مادی و معنوی اش را برچیند. بدون دستیابی به توسعه اقتصادی نمی توان به خود کفایی و رهایی از وابستگی اقتصادی که از ارزش های مهم جامعه انسانی است، دست یافت؛ به ویژه برای مردمی که استقلال، آزادی و خروج از سلطه بیگانگان و برقراری نظامی بر مبنای اسلامیت و جمهوریت، جزو هدف ها و آرمان های اساسی آنان بوده است. توسعه اقتصادی بر اشتغال کشور اثر گذار است، از آنجا که بازار کار یکی از چهار بازار تعریف شده در اقتصاد است که وجود عامل انسانی آن را نسبت به بازارهای دیگر، همچون بازار پول، بازار سرمایه و بازار کالا متمایز می کند، بررسی نقش توسعه اقتصادی بر اشتغال کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است، لذا در این مقاله، با توجه به مطالعات کتابخانه ای، به بررسی نقش توسعه اقتصادی بر اشتغال به منظور کاهش نرخ بیکاری پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه اقتصادی، اشتغال، بیکاری، بازار کار

مقدمه

به طور کلی توسعه اقتصادی سه عرصه مهم زیر را شامل می شود:

- ❖ سیاست هایی که دولت برای رفع اهداف گسترده شامل کنترل تورم، اشتغال زایی و رشد پایدار اتخاذ می کند.
- ❖ سیاست ها و برنامه هایی برای ارائه خدمات شامل احداث بزرگراه ها، مدیریت پارک ها و ارائه دسترسی پزشکی به افراد محروم
- ❖ سیاست ها و برنامه هایی که هدف اصلی آن ها بهبود فضای تجاری از طریق تلاش های تخصصی، تامین مالی تجاری، بازاریابی، توسعه مناطق مجاور، حفظ و توسعه تجاری، انتقال فناوری، توسعه املاک و سایر موارد می باشد (toma & et all, ۲۰۱۳)

همان گونه که مشاهده می شود، در عرصه اول، توسعه اقتصادی می بایست در خدمت کنترل تورم، اشتغال زایی و رشد پایدار باشد. که در اینجا به بررسی تاثیر توسعه اقتصادی در اشتغال زایی پرداخته می شود.

از جمله چالش های پیش روی اقتصاد ایران مسئله بیکاری است. رشد لجام گسیخته جمعیت که در حین سال های جنگ اتفاق افتاد آثار منفی خود را در دهه های بعد نشان داد و نتیجه این امر بیکاری بیش از ۳,۵ میلیون نفر از جمعیت فعال ۲۳ میلیونی کشور است، بنابراین آمار نشان می دهد که نرخ بیکاری بین ۱۳ تا ۱۶ درصد در نوسان است. دولت پس از جنگ در قالب برنامه های اول تا پنجم توسعه سعی در رونق بازار کسب و کار نموده است (حسین زاده و نصرتی، ۱۳۹۳).

از سویی، توسعه اقتصادی با تغییرات بنیادین در اقتصاد کشور همراه است. تعدادی از این تغییرات عبارتند از:

- افزایش سهم صنعت و کاهش سهم کشاورزی در تولید ملی
- افزایش شمار شهرنشینان و کاهش جمعیت روستایی
- افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و
- افزایش اشتغال (حجازی، فاضل و وحید، ۱۳۹۴).

افزون اینکه بدون دستیابی به توسعه اقتصادی، اختلال های جدی در فرایند توسعه پدید خواهد آمد. ملت فقیر و توسعه نیافته چگونه می تواند شاهد رشد و شکوفایی استعداد های بی کران آحاد خود در تمام زمینه ها باشد و ثمره شیرین تحقق آرمان ها، ارزش ها و خواست های مادی و معنوی اش را برچیند. بدون دستیابی به توسعه اقتصادی نمی توان به خود کفایی و رهایی از وابستگی اقتصادی که از ارزش های مهم جامعه انسانی است، دست یافت؛ به ویژه برای مردمی که استقلال، آزادی و خروج از سلطه بیگانگان و برقراری نظامی بر مبنای اسلامیت و جمهوریت، جزو هدف ها و آرمان های اساسی آنان بوده است.

بی تردید توسعه اقتصادی در حفظ ملت ها، پایدار ماندن شئون ملی، وحدت و همبستگی عمومی، ارجمندی نظام حاکم و مبانی آن، اهمیت به سزایی دارد. لذا در ادامه به بررسی نقش توسعه اقتصادی بر اشتغال به منظور کاهش نرخ بیکاری پرداخته می شود.

مبانی نظری تحقیق

توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی عبارت است از کاربرد منابع تولیدی به نحوی که موجب رشد بالقوه مداوم درآمد سرانه در یک جامعه شود، و همچنین توسعه اقتصادی فرآیندی است که طی آن مبانی علمی و فنی تولید از واقعیت سنتی به واقعیت مدرن تغییر می یابند (غفاری، ۱۳۸۳). بعضی دیگر توسعه را چنین تعریف کرده اند (گذار از یک جامعه سنتی به یک جامعه مدرن، یا تبدیل کالاهای لوکس به کالاهای ضروری). در جایی دیگر از توسعه چنین تعریف شده است: (ایجاد رشد اقتصادی به همراه صنعتی تر شدن اقتصاد). این تعریف اولاً متضمن وجود رشد اقتصادی است اما بیان می کند که رشد اقتصادی در صورتی سبب توسعه

یافتگی واحد شد که سهم بخش های صنعتی به نسبت بخش کشاورزی افزایش یابد (فرجی و همکاران، ۱۳۹۳). به طور کلی توسعه اقتصادی سه عرصه مهم زیر را شامل می شود:

- ✓ سیاست هایی که دولت برای رفع اهداف گسترده شامل کنترل تورم، اشتغال زایی و رشد پایدار اتخاذ می کند.
- ✓ سیاست ها و برنامه هایی برای ارائه خدمات شامل احداث بزرگراه ها، مدیریت پارک ها و ارائه دسترسی پزشکی به افراد محروم
- ✓ سیاست ها و برنامه هایی که هدف اصلی آن ها بهبود فضای تجاری از طریق تلاش های تخصصی، تامین مالی تجاری، بازاریابی، توسعه مناطق مجاور، حفظ و توسعه تجاری، انتقال فناوری، توسعه املاک و سایر موارد می باشد (toma & et all، ۲۰۱۳)

توسعه اقتصادی عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت های تولیدی اعم از ظرفیت های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید به دست می آید، اما در کنار آن نهادهای اجتماعی نیز متحول می شوند، نگرش ها تغییر می یابند، توان بهره برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش می یابد و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. همچنین ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده ها نیز در فرایند تولید تغییر می کند. توسعه اقتصادی با تغییرات بنیادین در اقتصاد کشور همراه است.

تعدادی از این تغییرات عبارتند از ۱۰: افزایش سهم صنعت و کاهش سهم کشاورزی در تولید ملی، ۲۰ افزایش شمار شهرنشینان و کاهش جمعیت روستایی، ۳۰ افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ۴۰ افزایش اشتغال (حجازی، فاضل و وحید، ۱۳۹۴).

افزون اینکه بدون دستیابی به توسعه اقتصادی، اختلال های جدی در فرایند توسعه پدید خواهد آمد. ملت فقیر و توسعه نیافته چگونه می تواند شاهد رشد و شکوفایی استعداد های بی کران آحاد خود در تمام زمینه ها باشد و ثمره شیرین تحقق آرمان ها، ارزش ها و خواست های مادی و معنوی اش را برچیند. بدون دستیابی به توسعه اقتصادی نمی توان به خود کفایی و رهایی از وابستگی اقتصادی که از ارزش های مهم جامعه انسانی است، دست یافت؛ به ویژه برای مردمی که استقلال، آزادی و خروج از سلطه بیگانگان و برقراری نظامی بر مبنای اسلامیت و جمهوریت، جزو هدف ها و آرمان های اساسی آنان بوده است.

بی تردید توسعه اقتصادی در حفظ ملت ها، پایدار ماندن شئون ملی، وحدت و همبستگی عمومی، ارجمندی نظام حاکم و مبانی آن، اهمیت به سزایی دارد.

باید توجه داشت که توسعه اقتصادی با همه اهمیتی که دارد شرط لازم برای توسعه همه جانبه است نه شرط کافی. عامل های فراوان مادی و معنوی در تعاملی گسترده با هم، توسعه همه جانبه را شکل می دهند. باید علت ها و عامل های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی توسعه هم جانبه را، با مطالعه های گسترده تاریخی، مردم شناسی، جامعه شناسی و روان شناسی باز شناخت تا درک درست و همه جانبه ای از مسایل توسعه به دست آورد. پیش از دهه هفتاد میلادی، در ادبیات رایج توسعه، فرهنگ و ارزش های فرهنگی جایگاهی درخور نداشت و عامل های اقتصادی عمده ترین محور بحث های توسعه را تشکیل می داد؛ اما در دهه هفتاد، با پذیرش اینکه هرگاه توسعه بر مفهوم اقتصادی صرف تکیه کند، به تعارض ها و بحران های اجتماعی دامن خواهد زد، عامل های دیگری مانند عامل های فرهنگی مورد توجه و عنایت قرار گرفت (نظریور، ۱۳۷۸: ۳۲).

توسعه ی اقتصادی شاید یکی از موضوعاتی باشد که بیشتر از هر مطلب اقتصادی در دهه های اخیر راجع به آن کتاب نوشته شده و مورد بحث قرار گرفته است. مع هذا هنوز برداشت از توسعه ی اقتصادی، برخورد با آن و نتیجه گیری از آن نزد اقتصاددانان و همکاران آن ها متفاوت بوده و دیدگاه های گوناگون نسبت به این موضوع بحث انگیز وجود داشته است. دیدگاه های مربوط به توسعه گرچه در بعضی زمینه ها و برخی نکات افتراق دارند، در بسیاری از زمینه ها نیز متشابه می باشند.

به همین دلیل طبقه بندی نظرات مربوط به توسعه کار مشکلی است. هر طبقه بندی دارای اشکالات و امتیازات مختلف است به هر حال برای آسان کردن کار و فهم بهتر نسبت به نظرات مربوط به توسعه به طور کلی می توان سه دیدگاه عمده را برجسته کرد.

گرچه این طبقه بندی یک تقسیم بندی جامع و مانع نیست و نمی توان گفت تمام نظرات با وضوح و روشنی در این سه دیدگاه جای دارند، و یا این که نظراتی که در درون هر دیدگاه قرار می گیرند با نظرات دیدگاه دیگر کاملاً متفاوت اند و با سایر نظرات دیدگاه خود کاملاً متشابه، مع هذا اساس نظرات هر دیدگاه با یکدیگر شبیه و با دیدگاه های دیگر متفاوت اند.

به طور کلی ذکر این نکته لازم است که از نظر تعریف، توسعه نیافتگی و توسعه همواره دو روی یک سکه اند؛ یعنی وقتی می گوئیم مسائل توسعه، منظورمان مسائل توسع نیافتگی نیز هست. در نگاه اول اغلب اقتصاددانان حوزه ی توسعه در مشاهدات خود از توسعه نیافتگی یک وضعیت را دید هاند. یعنی تعریف خام و تکامل نیافت هی توسعه نیافتگی که عبارت از آن است که اکثریت عظیم یک جامعه در سطح پائین زندگی قرار دارند. این خصوصیت دربرگیرنده ی بقیه ی

خصوصیات توسعه نیافتگی است. هر سه دیدگاه مربوط به توسعه این تعریف را کم و بیش می پذیرند. وجوه افتراق در جای دیگر است. سه دیدگاه کلی مربوط به توسعه عبارتند از:

۱- دیدگاه سنتی یا محافظه کار: این دیدگاه توسعه را عمدتاً با معیارهای تئوری های پیشرفته ی صنعتی می سنجند و نظرات آن ها کم و بیش کمی و محافظه کارانه است.

۲- دیدگاه رادیکال: این دیدگاه موضوع توسع هی کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته را دو امر کاملاً متفاوت می داند. در امر توسعه مسائل کیفی را بر مسائل کمی کاملاً مقدم می دارد و غالباً توسعه را بدون انقلاب اجتماعی ناممکن می شمارند.

۳- دیدگاه اصلاح طلب یا میانه رو: این دیدگاه تأکید دارد که تفاوت های بین زمینه ی تاریخی توسعه ی کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته مورد توجه قرار گیرد و مسائل انسانی مرکز ثقل توسعه دانسته شود. دیدگاه مذکور هم نظریات کمی دیدگاه اول را مورد حمله قرار می دهد و هم خشونت مورد نظر دیدگاه دوم را و بیشتر ناظر به اصلاحات اجتماعی و اقتصادی است.

ایجاد و توسعه اشتغال

اشتغال در لغت به معنای "به کاری پرداختن"، "به کاری سرگرم شدن" و مشغول شدن به کاری است. همچنین "توجه قلبی به کسی یا کاری را گویند (پوراصغر، ۱۳۹۱) در اصطلاح جامعه شناسی آمده "شغل یا پیشه کاری است که در مقابل دستمزد یا حقوق منظم انجام می شود" (گیدنز، ۱۳۸۷: ۵۶۲) اشتغال در نظریه اقتصادی، "کوشش انسانی یا فعالیتی است که در جهت تولید هدایت می شود. به عنوان یک عامل تولید، کار از مواد اولیه، سرمایه و مدیریت، جدا و فقط شامل مساعی کارگران در اشتغال است. به عبارتی، کار همه افرادی را شامل می شود که برای زیستن کار می کنند. این تعریف به نیروی کار یک ملت برمی گردد که شامل کلیه جمعیت قابل اشتغال و بالای سن معین است (قدیر، ۱۳۸۵، ۱۱۴۵).

از جمله چالش های پیش روی اقتصاد ایران مسئله بیکاری است. رشد لجام گسیخته جمعیت که در حین سال های جنگ اتفاق افتاد آثار منفی خود را در دهه های بعد نشان داد و نتیجه این امر بیکاری بیش از ۳٫۵ میلیون نفر از جمعیت فعال ۲۳ میلیونی کشور است، بنابراین آمار نشان می دهد که نرخ بیکاری بین ۱۳ تا ۱۶ درصد در نوسان است (حسین زاده و نصرتی، ۱۳۹۳).

فعالیت (activity) یا به طور دقیق تر، فعالیت اقتصادی، به کارها و اشتغالاتی گفته می شود که به تولید کالاها و خدمات سودمند و مؤثر در حیات اقتصادی جامعه مربوط هستند.

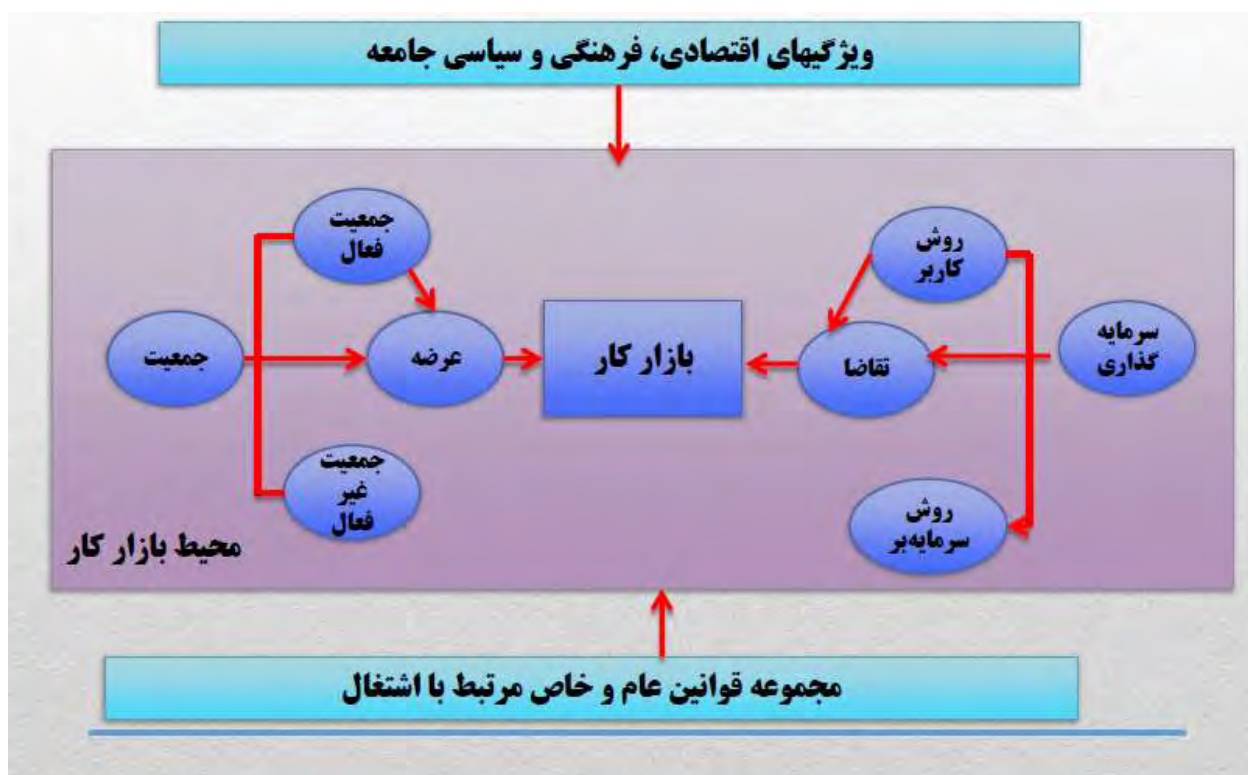
جمعیت فعال اقتصادی عبارت است از تمام افراد ۱۰ ساله و بیش تر (حداقل سن تعیین شده)، که در هفته ی تقویمی قبل از هفته ی آمارگیری (دوره ی مرجع) طبق تعریف کار، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده اند (بیکار)، از نظر اقتصادی جمعیت فعال محسوب می شوند.

تمام افراد ۱۰ ساله و بیش تر که در طول هفته ی مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی موقتاً کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می شوند که بهطور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق بگیران و خوداشتغالان می شوند.

افراد دارای اشتغال ناقص شامل تمام شاغلان مزدبگیر یا خود اشتغالی است که در هفته ی مرجع، حاضر در سرکار یا غایب موقت از کار بوده، و به دلایل اقتصادی (رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت بیشتر، قرار داشتن در فصل غیر کاری و ...) کمتر از ۴۴ ساعت کار رده، خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته ی مرجع هستند.

تمام افراد ۱۰ ساله و بیش تر که در دوره ی مرجع فاقد کار، آماده برای کار و در جستجوی کار باشند، یا فاقد کار و آماده برای کار بوده ولی به دلیل آغاز به کار در آینده و یا انتظار بازگشت به شغل قبلی در جستجوی کار نباشند، بیکار محسوب می شوند. (گزیده شاخص ها و نماگرهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خراسان رضوی^۱، ۱۳۹۰)

شکل ۱، مجموعه عوامل موثر بر بازار کار را نشان می دهد.



شکل ۱. عوامل اثرگذار در بازار کار کشور

¹ www.khorasan.ie/portals/4/shakhes-191/f4-191.pdf

سیاست های اشتغال

سیاست های اشتغال را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

الف) سیاست های فعال بازار کار: این سیاست ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم، زمینه های لازم را برای ایجاد تعادل در بازار کار فراهم می سازند. این گروه از سیاست ها در برگیرنده مکانیسم جستجوی شغل، آموزش بیکاران، ایجاد شغل به طور مستقیم یا از طریق پرداخت یارانه است (طرح های خوداشتغالی). این سیاست ها معمولاً کیفیت عرضه و تقاضای کار را تحت تأثیر قرار می دهند. عناصر اصلی سیاست های فعال بازار عبارتند از:

- ✚ ایجاد تحرک در عرضه نیروی با ایجاد شغل، پرداخت یارانه به دستمزد ها و غیره.
- ✚ توسعه اشتغال با ایجاد مهارت های جدید و با روش های مختلف مانند آموزش های مجدد
- ✚ افزایش کارایی بازار کار با ارائه خدمات به نیروی کار مانند مشاوره، کمک در انطباق شغل با مهارت های نیروی کار

ب- سیاست های تنظیمی بازار کار: این سیاست ها باعث انعطاف پذیری بیشتر بازار کار شده و بر جریان ورود و خروج نیروی کار ناشی از تنظیم قوانین و مقررات موثر خواهند بود. این سیاست ها، به موضوعاتی همچون چگونگی حفظ اشتغال، تغییر زمان کار از طریق توجه به کار موقت و کار پاره وقت، نحوه تعیین دستمزد، حداقل دستمزد و بازنشستگی زودهنگام می پردازد.

ج) سیاست های منفعل و حمایتی بازار کار: این سیاست ها موضوعاتی همچون حمایت های مالی از بیکاران، اصلاح سیستم مقرری بیکاری، پرداخت یارانه به دستمزد پایین، معافیت ای مالیاتی، کاهش مالیات بر دستمزدها، کمک به افراد با دستمزد پایین جهت افزایش رفاه و تامین حداقل زندگی را شامل می شود (ازوجی، ۱۳۸۶).

آسیب های موجود در بازار کار کشور

آسیب های موجود در بازار کار ایران، شامل یه مانع ساختاری، اقتصادی و اجتماعی است، که در زیر به تشریح هر یک از موانع پرداخته میشود. بیان این موانع از آنجا حائز اهمیت است، که نقش هر چه بیشتر توسعه اقتصادی و عوامل اقتصادی در راستای اشتغال و کاهش نرخ بیکاری مشهود می گردد.

موانع ساختاری

- ❖ مشکلات ساختاری ناشی از قوانین و مقررات سختگیرانه و محیط غیر منعطف بازار کار ایران از موانع اشتغال و چالش های بازار کار کشور است.
- ❖ نرخ دو رقمی بیکاری در سه دهه گذشته و استمرار عدم تعادل بازار کار و بیکاری مزمن در کشور گویای موانع ساختاری در اشتغال و ایجاد فرصت های شغلی لازم است.
- ❖ فقدان استراتژی شفاف و مصوب راجع به بازار کار و ساماندهی معضلات بیکاری
- ❖ عرضه نیروی کار زیاد و تقاضای محدود
- ❖ بزرگی دولت و هزینه های آن موجب تورم و مانع سرمایه گذاری برای اشتغال است.

- ❖ عدم اجرای مناسب سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی در نتیجه توسعه نامطلوب خصوصی سازی در کشور و کاهش رقابت در بخش خصوصی (سهم اشتغال در بخش خصوصی ۸۳,۵ درصد - سهم اشتغال در بخش عمومی ۱۶,۵ درصد)
- ❖ جمعیت میلیونی بیکار در ایران ۲۵۶۳۶۲۴ نفر (۱۶۵۷۱۹۹ نفر مرد و ۹۰۶۴۲۴ زن)
- ❖ میانگین نرخ بیکاری کشور در تابستان ۱۳۹۲، ۱۰,۴ درصد
- ❖ وجود تورم در کشور و نبود همخوانی و تناسب لازم میان سطح دستمزد و بهره وری (وجود نظام حقوق و دستمزد وقت مزدی در کشور) - نرخ تورم آبان ماه ۱۳۹۲: ۳۵,۹ درصد
- ❖ پایین بودن بهره وری نیروی کار (میانگین رشد بهره وری نیروی کار: ۱,۳ درصد)
- ❖ عدم بهره وری عوامل تولید و شکاف بین عوامل تولید و بهره وری (میانگین رشد بهره وری عوامل تولید ۱,۵ درصد)
- ❖ پایین بودن نرخ مشارکت در بازار کار ایران: متوسط نرخ مشارکت در ایران در تابستان ۱۳۹۲ برابر ۳۹,۱ درصد برای کل اقتصاد (شامل زنان و مردان) بوده، در حالی که نرخ مشارکت مردان در بازار کار، برابر ۶۴,۷ درصد و برای زنان ۱۳,۶ درصد است.
- ❖ بالا بودن نرخ بیکاری و تفاوت بین بیشترین و کمترین نرخ بیکاری در استان ها (تفاوت نرخ بیکاری استان ها: ۱۲,۹ درصد)
- ❖ مشکلات روزافزون بنگاه های کوچک و متوسط از جمله در مواجهه با قوانین، مالیات و روابط کار
- ❖ کاهش سهم اشتغال در بخش کشاورزی (۱۹,۵ درصد) و ناتوانی بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال پایدار همچنین بالا بودن تعداد شاغلان در گروه فعالیت "عمده فروشی، خرده فروشی و خدمات تعمیراتی" (۴۶,۵ درصد) که به علت بالا رفتن نسبت تعداد واحدهای صنفی به جمعیت شهری به عنوان یکی از عوامل توسعه نیافتگی در نقاط شهری محسوب می شود.
- ❖ توسعه بخش غیررسمی بازار کار و در نتیجه فقدان حمایت از شاغلان این بخش و توسعه مشاغل کاذب (شروع فعالیت ۲۵ درصد از بنگاهها به صورت غیررسمی و بدون ثبت قانونی است.)
- ❖ عدم وجود برنامه های مشخص در زمینه توسعه کسب و کار روستایی و خانگی
- ❖ وجود مشکلات مربوط به قوانین و دستورالعمل های تامین اجتماعی بویژه در اجرای ماده ۸۰ قانون برنامه وسایر اقدامات حمایتی دولت
- ❖ عدم توازن بین تکنولوژی، سرمایه و نیروی کار

موانع اقتصادی

- ✓ کاهش سرمایه گذاری در طرح های اقتصادی. افزایش مستمر واردات از دلایل عمده ناکافی بودن فرصت های شغلی و موانع اقتصادی بازار کار می باشد.

- ✓ کمبود بازدهی فعالیت های اقتصادی، فقدان امنیت سرمایه گذاری در صنایع کوچک، نامناسب بودن سیاست های پولی و مالی و همچنین پرهزینه بودن قوانین و مقررات موجود در فعالیت های اقتصادی از علل پائین بودن سرمایه گذاری در کشور می باشد.
- ✓ همسو نبودن دستگاه های اقتصادی کشور برای اجرای سیاست های بازار کار (عدم هماهنگی بازارهای اقتصادی پول، سرمایه، کالا و خدمات و کار با یکدیگر)
- ✓ در ایران سهم نیروی کار از کل تولید در سطح بسیار پایینی قرار دارد: نظام تولیدی در ایران به دلیل برخی سیاستگذاری های دولتی به سمت استفاده بیش از اندازه از سرمایه فیزیکی و استفاده کمتر از نیروی کار سوق داده شده است. به عنوان مثال سهم نیروی کار از کل درآمد ناخالص داخلی رقمی در حدود ۲۵ درصد است (اعلام مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰)
- ✓ تکنولوژی موجود در اقتصاد کشور که به شدت به سمت تولیدات سرمایه بر گرایش دارد، این عامل مهمی در پایین بودن تعداد موقعیت های شغلی در ایران محسوب می شود.
- ✓ شکاف بین سرمایه گذاری و پس انداز: از جمله علل پایین بودن فرصت های شغلی، کمبود سرمایه گذاری ها در تولید، عدم رشد تولید و رکود ساخت و سازها بوده است.
- ✓ فقدان یک سیستم حمایتی کامل و جامع در زمینه حمایت از بنگاه های اقتصادی
- ✓ بالا بودن سرمایه سرانه ایجاد یک شغل مولد در کشور
- ✓ حضور کمرنگ سرمایه گذاران خارجی در مالکیت بنگاه های اقتصادی کشور
- ✓ عدم فروش برخی از تولیدات ناشی از ورود بی رویه کالای خارجی: واردات بی رویه کالا و صادرات نفت خام از جمله دلایل نرخ رشد بیکاری است.
- ✓ عدم توزیع عادلانه امکانات و یارانه ها: مشکلات بنگاه های اقتصادی ناشی از هدفمندسازی یارانه ها

موانع اجتماعی (آموزشی و فرهنگی)

- کمبود نیروی کار ماهر و آموزش دیده و متناسب با نیاز بازار کار (۵۱ درصد از جویندگان کار در کشور در سال ۱۳۹۱ فاقد مهارت بودند)
- بالا بودن نرخ بیکاری در میان جوانان: در تابستان ۱۳۹۲ نرخ بیکاری در میان افراد بالای ۱۵ سال در مناطق شهری ایران، حدود ۱۲ درصد بوده، در حالی که نرخ بیکاری برای جوانان ۱۵ الی ۲۴ ساله در حدود ۲۹٫۲ درصد است.
- نرخ بیکاری بالا بین دانش آموختگان دانشگاهی در کشور (۴۰ درصد): متناسب نبودن و منطبق نبودن برخی از رشته های تحصیلی دانشگاهی با نیاز بازار کار و عدم گذراندن دوره های فنی و حرفه ای برای دانشجویان در مقاطع دانشگاهی و نا آشنایی دانشجویان با نیازهای روز بازار کار

- حضور و مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار و مشکلات بیکاری: افزایش حضور زنان و دختران در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و تمایل زنان به داشتن تحصیلات عالی و رشد قابل توجه دانش آموختگان دختر دانشگاه ها در کشور، به عنوان چالشی در رابطه با بازار کار و مباحث اشتغال، بیکاری و دستمزد مطرح است.
- گسترش پدیده چند شغلی در کشور: در ایران حدود ۱۸ درصد کارکنان دارای شغل دوم هستند، این مساله نشان می دهد شغل ها در ایران دارای درآمد و کیفیت چندانی نیستند و شاغلین مجبورند به دنبال شغل دوم باشند.
- ورود نیروی کار خارجی: حضور بیش از ۲ میلیون نفر اتباع خارجی در بازار کار علاوه بر مشکلات اشتغال، موجب کاهش فرهنگ کار شده است.
- فقر و بیکاری باعث مهاجرت از مناطق روستایی و شهرهای کوچک و ضعیف به سوی استان های و در نتیجه رشد بیکاری، حاشیه نشینی و ... در این مراکز شده است.
- عدم استفاده از نخبگان و فعالان اقتصادی و در نتیجه فرار مغزها و متخصصان
- فقدان نظام بیمه ای جامع در خصوص حمایت از بیکاران به ویژه جوانان (ضریب پوشش بیمه بیکاری: ۵ درصد) (نویخت، ۱۳۸۶).

بحث و نتیجه گیری

یکی از نیازهای اساسی انسان نیاز به کار کردن و تامین معاش است و در صورتی که به این نیاز توجه نشود بیکاری می تواند منشا مشکلات عدیده ای برای فرد و اجتماع باشد. بیکاری معضل اجتماعی است که هم آسیب های جدی فردی و هم آسیب های قابل ملاحظه اجتماعی را در تولید کند؛ زیرا اشتغال از نیازهای اولیه یک جامعه به شمار می آید. با توسعه اقتصادی مانند توسعه صنعت کشاورزی و ایجاد صنایع تبدیلی در کنار ظرفیت های صنعتی کشور می توانیم تا حدودی زیادی مشکلات بیکاری را برطرف کنیم. در جامعه ای که درصد بیکاری در آن زیاد است سرمایه گذاری ها باید به سمت ایجاد اشتغال پایدار هدایت شوند تا مقابله با تحریم های روزافزون قدرت های سلطه گر جدی تر انجام شود. اشتغال جوانان یک مشکل زیرساختی است که نیاز به یک بسته و مجموعه ای از سیاست های راهبردی از سوی دولت دارد لذا جذب سرمایه گذاری در بخش خصوصی و حمایت از سرمایه گذاران از جمله راهکارهای مهم در راستای توسعه رونق اقتصادی و اشتغال زایی در این حوزه انتخابیه به شمار می آید، جوانان سرمایه های ملی کشور به شمار می آیند و به همین علت دولت باید اقدامات کارآمدی در راستای اشتغال کارآمد انجام دهد.

اگرچه نرخ بیکاری در دو سال فعالیت دولت یازدهم نسبت به دولت قبل افزایش نداشته و در محدوده ۱۰ تا ۱۰٫۸ درصد در نوسان است، اما سونامی بیکاری در کمین دولت است. ۲٫۵ تا ۴ میلیون نفر بیکار مطلق در کشور وجود دارد و بر اساس اظهارات متفاوت ۴٫۵ میلیون دانشجو هم در آستانه ورود به بازار کار هستند و دولت ظرف یکی دو سال آینده با ۷ تا ۱۰ میلیون جوان بیکار مواجه می شود.

افزایش تعداد بیکاران ضرورت ایجاد اشتغال را صد چندان کرده است. وزیر کار در بهترین حالت امیدوار است رشد اقتصادی به ۵ درصد برسد و سالانه ۵۰۰ هزار شغل ایجاد شود اما حسن طایبی معاون وی می گوید سالانه حداقل باید یک میلیون شغل ایجاد شود تا کمی از وخامت اوضاع کم شود.

در میان این سیل بیکاری، دولت هم توان و بودجه کافی برای ایجاد اشتغال ندارد و صنایع بخش خصوصی هم درگیر رکود در صنعت خود هستند. اما اقتصاد باید از جایی ترمیم شود و شروع به ایجاد اشتغال کند. آن بخش کدام است؟ برخی، ایجاد اشتغال در کشور را در گرو رشد بخش ساختمان می دانند و می گویند اگر در صنعت ساختمان تحرک پیدا کنیم به موجب آن بخش هایی نظیر مصالح ساختمانی هم تحرک پیدا می کنند و می توانند اشتغال ایجاد کنند. هنوز هم در کل دنیا صنعت ساختمان محرک اشتغال است. اما کمی خطرناک و گول زننده است مانند تجربه آمریکا و اسپانیا در زمان بوش. این گفته به این منظور است که در اواخر سال های ریاست جمهوری بوش، آمریکا با بحران اقتصادی شدیدی روبه رو شد که نقطه این بحران از بازار مسکن شروع شد و کل دنیا را تحت شعاع خود قرار داد.

عده ای نیز، توسعه صنعت گردشگری را عامل ایجاد اشتغال می دانند. در گردشگری مزیت هایی همچون هتل داری، تاسیس مراکز تفریحی و ... وجود دارد که می توان با گسترش آنها، به ایجاد اشتغال هم کمک کرد.

برخی عنوان می دارند که اگر می خواهیم به دنبال حل ریشه ای مشکل بیکاری باشیم باید علاوه بر اصلاح قانون کار به سمت صناعی برویم که در آنها مزیت نسبی و حتی مزیت مطلق داریم. بهترین گزینه، سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز است که می تواند اشتغالزایی بالایی را به همراه آورد. وی معتقد است دولت نه تنها منابع بلکه سیاست گذاری ها را بهتر است به گونه ای تنظیم کند که همه به سمت توسعه صنایع نفت و گاز بروند. در این صورت می تواند انرژی را ارزان تر در اختیار بخش خصوصی قرار دهد و آنها هم با توسعه صنایع انرژی بر در کشور اشتغال کنند.

برخی نیز بر این باورند که در حوزه اشتغال می توان دو قدم برداشت. اول آنکه برای اصلاح قانون کار چاره ای اندیشیده شود و سپس با هدایت درست منابع و سیاست گذاری در مسیر صناعی که در آن مزیت نسبی قوی تری داریم بسته های تشویقی را برای توسعه صنایع بالادستی انرژی بر تهیه کرد تا سرمایه گذاران بخش خصوصی بتوانند با استفاده از این بسته ها صنایع انرژی بر را فعال کنند. این در حالی که سرمایه گذاری در نفت و گاز بسیار هزینه بر است و دولت در شرایطی قرار دارد که بودجه ای برای سرمایه گذاری در چنین حوزه هایی را ندارد.

در همین مورد اقتصاددان دیگری عنوان می کند بر اساس نتایج جدول داده ستانده، صنعت مواد غذایی، صنعت پوشاک و صنعت ساختمان به ترتیب اشتغالزاترین بخش ها هستند و دولت می تواند با سرمایه گذاری در این بخش ها اشتغال ایجاد کند.

با توجه به سطح بالای بیکاری در بین جوانان و فارغ التحصیلان دانشگاه ها، بخش های خدمات مبتنی بر آی تی و صادرات خدمات فنی و مهندسی اشتغالزا است و می توان از این نقطه برای ایجاد اشتغال حرکت کرد. چون تولید در صنایع و معادن سرمایه بر است و بخش کشاورزی هم با محدودیت آب و کشت سنتی مواجه است و نمی تواند چندان پاسخگوی جمعیت بیکار و جوان باشد. لذا در حال حاضر بخش خدمات موتور محرک اشتغال است و موتور رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در تمام اقتصادهای غیر سنتی و مدرن، صنعت و فرایند توسعه صنعتی است و محل بروز آن بخش خدمات (حمل و نقل، بانک، بیمه و ...) و سایر بخش هاست.

به عبارت دیگر، توسعه اقتصادی، بهترین راهی است که می توان برای افزایش اشتغال و خروج از نرخ بیکاری دورقمی به کار بست، و اولین قدم در این راستا استفاده از صنایع پربازده می باشد.

منابع

- ازوجی، علاءالدین. ۱۳۸۶. تحلیلی و ارزیابی سیاست ها و عملکرد بازار کار در برنامه های توسعه ای ایران. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، دفتر برنامه ریزی و مدیریت اقتصاد کلان.
- پوراصغر، مرضیه. ۱۳۹۱. زن و خانواده (کتاب اندیشه های راهبردی)، دبیرخانه نشست اندیشه های راهبردی، انتشارات پیام عدالت، چاپ اول.
- حسین زاده، هدایت و نصرتی، رضا. ۱۳۹۳. بررسی تاثیر طرح توسعه بنگاه های کوچک و زودبازده بر ایجاد اشتغال در استان های منتخب کشور، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، سال دوم، شماره ۷، صص. ۹۱-۱۰۸.
- حجازی، نگین؛ فاضل، رضا و وحید، فریدون. ۱۳۹۴. بررسی تاثیر توسعه منطقه عسلویه بر کیفیت زندگی با رویکرد رشد صنعتی، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص. ۸۷-۱۱۳.
- فرجی، فرشته؛ احسانی فر، نادری، نادر و رضایی، بیژن. ۱۳۹۳. بررسی نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره چهارم، صص. ۹۱-۱۰۴.
- قدیر، محسن. ۱۳۸۵. اشتغال زنان از منظر اسلام و غرب، مجموعه ی مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، اولویت ها و رویکردها، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گزیده شاخص ها و نماگرهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی استان خراسان رضوی، ۱۳۹۰.
- گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۷. جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- نظرپور، محمدتقی. ۱۳۷۸. ارزش ها و توسعه بررسی مورد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نوبخت، محمدباقر. ۱۳۸۶. موانع اشتغال جوانان و راهبرد تعادل بازار کار در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک ایران.

Toma, S.G., Grigore, A.M., and Marines, P. ۲۰۱۳. Economic Development and Entrepreneurship. *Procedia Economics and Finance* ۸(۲): ۴۳۶-۴۴۳.